

Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 20, No. 6, Summer 2020, 119-144
Doi: 10.30465/crts.2020.30534.1820

A Review and Critique of *Archaeology of Iran*

Roghayeh Rahimi Sorkhani*

Abstract

The present study tries to evaluate and pinpoint the structural and content weaknesses and strengths of the book, entitled *Archaeology of Iran* (Tourism Planning and Management), authored by Karim Hajizadeh and Parviz Pourkarimi. In terms of content, the book is one of the rare and vanguard compilations in the field of the relationship between archeology and tourism in Iran. However, it has some deficiencies in different parts of this subject. The author in the present paper aimed to analyze and criticize the features and deficiencies of content and writing from several viewpoints, such as the conformity of the book subjects with approved topics by Planning Higher Council, the correctness or inaccuracy of the relationship between the content and the title of the book, the quality of the use of valid and new references as well as the typographic mistakes that cannot be ignored. The present article suggests that the book, despite its rich content and impact on the applied archaeology, seems to be used as an academic course of "Archaeology of Iran" needs to be reconsidered.

Keywords: Archeology, Tourism, Sustainable Development, Management, Iran.

* Professor Assistant, Faculty of Cultural Heritage, Handicraft and Tourism, University of Mazandaran, Nowshahr, Iran, R.sorkhani@umz.ac.ir

Date received: 2020-02-15, Date of acceptance: 2020-07-18

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

بررسی و نقد کتاب باستان‌شناسی ایران

رقیه رحیمی سرخنی*

چکیده

متکلم را تا کسی عیب نگیرد سخنش صلاح نپذیرد.^۱

(سعدی)

این جستار با هدف نقد و شناسایی موارد قوت و ضعف معیارهای شکلی و محتوایی کتاب *باستان‌شناسی ایران* به قلم مؤلفان بزرگوار کریم حاجی‌زاده و پرویز پورکریمی انجام شده است. این کتاب از نظر محتوا از جمله تألیف‌های نادر و پیش‌رو در زمینه ارتباط باستان‌شناسی و گردش‌گری در ایران به‌شمار می‌رود و پیش‌گامی در طرح مباحث جدید موجب بروز برخی کاستی‌ها و نقص‌ها خواهد شد. هدف نگارنده این مقاله آن است که ویژگی‌ها و کاستی‌های محتوایی و نگارشی کتاب را بیان کند. محورهای اصلی این بررسی نقادانه ارزیابی کتاب به‌منزله منبع درسی براساس معیارهای منابع درسی، انطباق مطالب کتاب با سرفصل مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی، درستی یا نادرستی ارتباط مطالب با عنوان کتاب، کیفیت استفاده از منابع معتبر و جدید، و بررسی اشتباه‌های چاپی غیرقابل چشم‌پوشی است. نظر نگارنده در این مقاله آن است که کتاب یادشده باوجود محتوای غنی و تأثیر زیادی که در کاربردی‌کردن هرچه بیشتر دانش باستان‌شناسی در حوزه باستان‌شناسی و گردش‌گری دارد، اما کاربرد آن به‌منزله منبع تدریس در واحد درسی «باستان‌شناسی ایران» نیازمند بازنگری است.

کلیدواژه‌ها: باستان‌شناسی، گردش‌گری، توسعه پایدار، مدیریت، ایران.

* استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردش‌گری نوشهر، دانشگاه مازندران،

R.sorkhani@umz.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۲۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۲۸

۱. مقدمه

انسان‌ها به متعلقاتشان اعم از متصل و منفصل، مانند مال، فکر، و رفتار دل‌بسته‌اند و به‌قول سعدی علیه‌الرحمه «همه‌کس را عقل خود به کمال نماید و فرزند خود به جمال» (فناپی اشکوری ۱۳۸۶) و دور از انتظار نیست که در جهان نویسندگان و در دنیای علم تعلق به اندیشه و متن خویش بسیار پررنگ باشد، اما هم‌چنان به‌قول آن حضرت:

گرت در آینه سیمای خویش دل ببرد

چو من شوی و به درمان خویش درمانی

(سعدی)

و از آن‌جا که شیفته داشته‌های خود بودن همواره برای هرکسی، به‌ویژه عالمان، خطرآفرین است و به‌قول حضرت حافظ:

زیر بارند درختان که تعلق دارند

ای خوشا سرو که از بار غم آزاد آمد

(حافظ)

پس یکی از اولین ویژگی‌های اهل قلم باید رهایی از این نوع سرسپردگی و تعلق باشد که این مهم حاصل نخواهد شد، مگر به همتی بلند چنان‌که صائب تبریزی می‌گوید:

به همت می‌توان قطع تعلق کرد از دنیا

سلاحی نیست از شمشیر بالاتر سپاهی را

(صائب تبریزی)

ازسویی دیگر، خود را وقف نقد اندیشه‌های دیگران کردن و بالارفتن از نردبان نقد دیگران از آفت‌های رایج علم زمان ما و به‌خصوص دانش باستان‌شناسی است. عمر نقد در ایران شاید قدمت زیادی داشته باشد (خرمشاهی ۱۳۸۶)، اما قدمت نقد در دانش‌هایی که با مسائل انسانی پیوند خورده‌اند و به‌ویژه در دانش باستان‌شناسی ایران بسیار کوتاه است و متأسفانه، اغلب به نام‌پراکنی‌های ژورنالیستی محدود است و به‌جای نقد به امور دیگر مثل حمله به شخصیت‌ها و مکتب‌ها پرداخته‌اند. از آن‌جا که پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی مجالی را برای این مقال به‌خصوص در حوزه باستان‌شناسی فراهم آورده است، روا نیست که اسلوب پیشین نقد را در باستان‌شناسی ایران تکرار کنیم که:

بررسی و نقد کتاب *باستان‌شناسی ایران* (رقبه رحیمی سرخنی) ۱۳۳

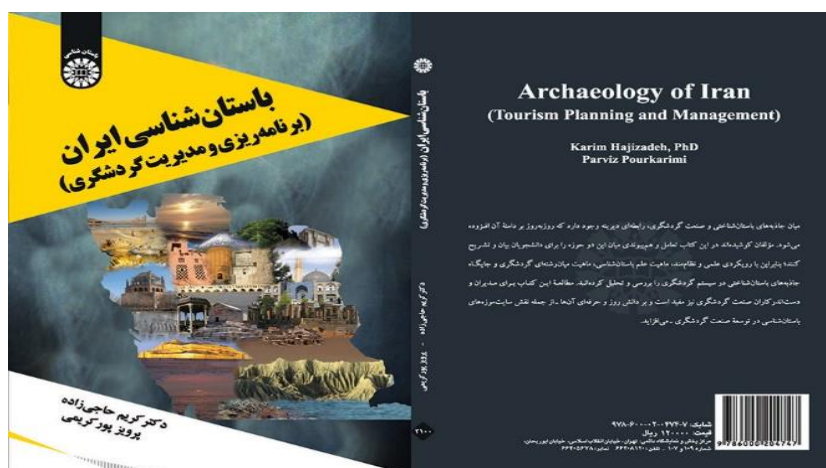
دور است سر آب از این بادیه هاش دار

تا غول بیابان نفریید به سرابت

(حافظ)

تجربه‌های متأخر در این پژوهش‌نامه نشان داده است که می‌توان راهی متفاوت را در نقد در باستان‌شناسی دنبال کرد (عسگرپور ۱۳۹۶؛ حسین‌زاده ساداتی ۱۳۹۶؛ لباف خانیکی ۱۳۹۶). امید که تداوم حاصل شود که شب دراز و دو چشمم بر آستان امید.

یکی از موضوع‌هایی که در سال‌های اخیر به‌خصوص در کتاب‌های درسی کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است توجه به ماهیت میان‌رشته‌ای باستان‌شناسی است. باستان‌شناسی می‌تواند با تکیه بر رویکرد میان‌رشته‌ای خود در کشورهای در حال توسعه سهم خود را در ابعاد گوناگون فرهنگی، اجتماعی، و به‌خصوص اقتصادی افزایش دهد. برای تحقق این امر توجه به سطوح آموزشی پایه‌ای ضروری است. کتاب *باستان‌شناسی ایران* با «هدف درک بهتر هم‌پیوندی باستان‌شناسی و گردش‌گری به‌عنوان کتاب درسی در حوزه گردش‌گری و جهان‌گردی تألیف شده است» (حاجی‌زاده و پورکریمی ۱۳۹۶: ۲). در این نوشتار تلاش شده تا ابتدا، به اهمیت و ضرورت وجود کتاب‌هایی از این دست به‌خصوص با ماهیت درسی و آموزشی توجه شود و در ادامه، با نگاهی باستان‌شناختی کتاب نقد شود. در اصل، در این مقاله بیش‌تر ماهیت باستان‌شناختی کتاب بررسی می‌شود و به‌علت نداشتن تسلط کافی نگارنده بر مباحث توریسم و گردش‌گری، در این قسمت فقط پیش‌نهادهایی ارائه می‌گردد.



تصویر ۱. جلد کتاب

۲. معرفی اثر

کتاب *باستان‌شناسی ایران* را به‌منزله منبع درسی به همین نام در مقطع کارشناسی رشته گردش‌گری در سال ۱۳۹۶ کریم حاجی‌زاده و پرویز پورکریمی نوشتند و در انتشارات سمت به‌چاپ رسید. این کتاب ۲۳۱ صفحه‌ای در شش فصل به‌همراه زیرفهرست‌های جزئی‌تر در هر فصل و یک پیش‌گفتار به رشته تحریر درآمده است و مباحثی چون: ۱. تعریف علم باستان‌شناسی و تاریخچه آن؛ ۲. گاه‌نگاری تاریخ ایران براساس شواهد باستان‌شناسی و منابع مکتوب؛ ۳. کارکردهای باستان‌شناسی در جوامع امروز؛ ۴. ارتباط باستان‌شناسی و گردش‌گری؛ ۵. مدیریت میراث باستان‌شناختی با رویکرد توسعه پایدار گردش‌گری؛ و ۶. نقش سایت‌موزه‌های باستان‌شناسی را در توسعه صنعت گردش‌گری در بر می‌گیرد.

۳. اهمیت موضوع و جایگاه کتاب

باوجود پیشرفت روزافزون رشته باستان‌شناسی و آشنایی با کاربردهای مختلف امروزی آن در کشورهای پیشرفته دنیا، در ایران نه‌تنها در محیط‌های عمومی که حتی در محیط‌های آکادمیک ضرورت وجود باستان‌شناسی مورد شک و تردید است. اغلب مردم، دانشجویان، و حتی متخصصان باستان‌شناسی و بسیاری از دانش‌های انسانی دیگر را «نمایشی» و «غیرکاربردی» می‌دانند. در جامعه امروز ایران و دیگر کشورهای درحال‌توسعه یا توسعه‌نیافته رویکرد میان‌رشته‌ای امری مهم و ضروری در مواجهه با دانش‌های حوزه انسانی (humanities) است تا آن‌ها را از حالت لوکس، تجملاتی، و نمایشی درآورد و ضرورت وجود آن‌ها را نشان دهد.

آشنایی با باستان‌شناسی، به‌خصوص در سطح دانشگاهی، برای تمامی رشته‌های مرتبط ضروری است و ضروری‌تر آشنایی با وجهه کاربردی این دانش‌هاست. در این مقاله کتابی معرفی و نقد می‌شود که مدت‌ها جای آن از نظر محتوای کتاب (گردش‌گری باستان‌شناختی در ایران) خالی بود. مؤلفان بزرگوار در این کتاب موضوع بسیار مهمی را مطرح کرده‌اند که پیش از این به مقاله‌های پراکنده و یک کتاب تخصصی محدود بود (افخمی ۱۳۸۶). وجود این کتاب به‌منظور کاربردی کردن هرچه بیش‌تر دانش باستان‌شناسی در حوزه گردش‌گری و نشان‌دادن نقش انکارناپذیر آن در توسعه ضروری به‌نظر می‌رسد. ضمن این‌که کتاب موردنظر نه‌تنها در رشته گردش‌گری، بلکه در رشته باستان‌شناسی نیز به‌منزله کتاب درسی قابل‌استفاده خواهد بود.

۱,۳ گردش‌گری، گردش‌گری فرهنگی، و گردش‌گری باستان‌شناختی

علاوه بر دغدغه‌های متعدد نظری و روش‌شناختی، یکی از مهم‌ترین ابعاد باستان‌شناسی و بسیاری از دانش‌های دیگر توجه به کاربردی‌شدن آن‌ها و نزدیک‌شدن به جامعه زنده است. آثار باستانی و مواد فرهنگی به‌جامانده از گذشته دور و متأخر داده‌هایی صامت، خاموش، و ایستاست که گردش‌گری سبب می‌شود پویایی و زندگی در این محیط‌ها دوباره جریان داشته باشد و درآمد حاصل از گردش‌گری دوباره می‌تواند چرخ تئوری و متدولوژی را در این دانش‌ها به حرکت درآورد.

گردش‌گری ابزار تعامل و تبادل اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، و سیاسی بین جوامع گوناگون است و تعامل انسان، محیط، تاریخ، و فرهنگ در آن به عینی‌ترین شکل ممکن تبلور یافته است (پرچکانی ۱۳۹۳). گردش‌گری دنیا ابعاد متنوعی هم‌چون توریسم الکترونیکی، اکوتوریسم، توریسم درمانی، ورزشی، روستایی، فرهنگی، و تاریخی یافته است. امروزه در سراسر جهان یکی از اشکال اصلی توسعه اقتصادی ترویج توریسم فرهنگی است. مقوله گردش‌گری، به‌طور اعم، و گردش‌گری فرهنگی، به‌طور اخص، از پیوند جغرافیا و فرهنگ یا به‌عبارت‌دیگر، جغرافیای فرهنگی شکل گرفته است (پوراحمد و دیگران ۱۳۹۱؛ بختیاری و دیگران ۱۳۹۳). گردش‌گری فرهنگی نوعی از گردش‌گری است که درآمد حاصل از آن عاید کشور میزبان می‌شود و درطول مسافرت براساس یک برنامه و سفر خاص، مکان‌های متعددی دیده می‌شود و مبالغ زیادی ارز برای شناخت تمدن، فرهنگ، آداب و رسوم، و سنت‌های یک گروه، جامعه، منطقه، یا یک کشور از طریق بازدید بناهای باستانی و معماری دوره‌های مختلف تاریخی، موزه‌ها، و شرکت در جشنواره‌های هنری صرف می‌شود. گردش‌گری فرهنگی خواهان آشنایی با فرهنگ مناطق مختلف و کاوش در چشم‌اندازهای فرهنگی جوامع انسانی و درک آن‌هاست (ساعی نائیجی و رضایی ۱۳۸۹).

توریسم فرهنگی به‌معنی مسافرت با هدف کسب اطلاع از فرهنگ‌های گذشته و منقرض‌شده یا معاصر و زنده است. گردش‌گری فرهنگی فقط مصرف محصولات فرهنگی گذشته نیست، بلکه مصرف فرهنگ معاصر یا شیوه زندگی یک اجتماع یا منطقه نیز است. بنابراین، گردش‌گری فرهنگی هم گردش‌گری میراث (مرتبط با اشیای بازممانده از گذشته) و هم گردش‌گری هنری (مرتبط با تولیدات فرهنگی معاصر) است. گردش‌گری فرهنگی فقط مصرف منفعل، یعنی نگرستن صرف به سایت‌های تاریخی، مجموعه‌های موجود در موزه‌ها، نقاشی‌ها، و نمایش‌های تئاتر نیست و روزبه‌روز بر شمار گردش‌گران علاقه‌مند به

گردش‌گری خلاق افزوده می‌شود. در جریان این نوع گردش‌گری فرد در فعالیت‌های فرهنگی‌ای چون نقاشی، عکاسی، صنایع دستی، رقص، و آشپزی شرکت می‌کند (موسوی‌نیا و دیگران ۱۳۹۴).

جاذبه‌های فرهنگی عامل مهمی در جذب گردش‌گر است. از جمله مهم‌ترین زمینه‌های شکل‌گیری گردش‌گری فرهنگی می‌توان به اماکن تاریخی، موزه‌ها، معماری، فرهنگ، و آداب و رسوم خاص هر منطقه نظیر موسیقی، خوراک، پوشاک، صنایع دستی، و ... اشاره کرد. آثار باستانی و کهن هر جامعه‌ای معرف فرهنگ خاص همان کشور و دارای ویژگی‌ها و ارزش‌های درخور توجه همان مملکت و مرز و بوم است. این آثار ارزش‌های معنوی بسیار زیادی برای آن قوم (جامعه) و جاذبه‌ای برای دیگران دارد و در نتیجه، باعث جلب و جذب دیگران برای بازدید و شناخت آن جاذبه‌ها و آثار می‌شود (ساعی نائیجی و رضایی ۱۳۸۹). برخی از مهم‌ترین و معروف‌ترین سایت‌های باستان‌شناسی دنیا از نظر علمی، تاریخی، و زیبایی‌شناختی افزایش چشم‌گیری را در جذب بازدیدکنندگان در دهه اخیر داشته‌اند. کمیته علمی بین‌المللی مدیریت میراث باستان‌شناسی یا ICAHM در ایکوموس (ICOMOS) تأثیر ارزش‌های علمی و تاریخی سایت‌های باستان‌شناسی را بر تعداد بازدیدکنندگان آن‌ها و وضعیت اقتصادی و اجتماعی جوامع نزدیک آن‌ها ارزیابی کرده است (Comer and Willems 2011). منابع فرهنگی، از جمله محوطه‌های باستانی، یکی از عوامل اساسی در جذب گردش‌گر است و طی دو دهه گذشته تلاش‌های زیادی برای توسعه این مکان‌ها انجام شده است. کاوش‌های باستان‌شناسی نیز، که یکی از محورهای اصلی مطالعات باستان‌شناسی است، با به‌کارگیری روش‌ها و تکنیک‌های باستان‌شناختی، گذشته‌ها را بازسازی کرده است و میراث انسان‌ها را معرفی می‌کند و به این طریق، یکی از عناصر اصلی در ترقی فرهنگ گردش‌گری و جذب گردش‌گر است (حسین‌زاده ساداتی و وثوق ۱۳۸۹: ۹۰).

از گذشته‌های دور میان گردش‌گری و آثار باقی‌مانده از پیشینیان که امروزه میراث فرهنگی می‌خوانندش، رابطه‌ای تنگاتنگ وجود داشت. کم‌تر سفرنامه‌ای، چه نوشته غریبان و چه تألیف شرقی‌ها را می‌توان یافت که در لابه‌لای خطوطش به میراث پیشینیان اشاره نشده و بعضاً مایه شگفتی نویسنده‌اش نگردیده باشد (نوری شادمهانی ۱۳۸۹). باتوجه‌به محبوبیت روزافزون میراث فرهنگی در دنیا، مردم به‌دنبال بازدید از مسیرهای قدیمی و محوطه‌های باستان‌شناسی‌اند و در نتیجه، نوعی از گردش‌گر به‌وجود آمده که قصد آن بازدید از محوطه‌های باستانی است (Mazzola 2015).

۲,۳ گردش‌گری و حفاظت از میراث فرهنگی

متأسفانه، شاهد فرسایش زود هنگام و بیش‌ازحد در محوطه‌هایی هستیم که آمادگی و ظرفیت لازم را برای بازدید زیاد ندارند. به همان میزان که افزایش گردش‌گران برای بازدید از محوطه‌های باستان‌شناسی جدید باشد، دامنه تجربه‌هایی هم که گردش‌گران انتظار دارند در این محوطه‌ها تجربه کنند گسترش می‌یابد. به همین علت، محوطه‌های باستان‌شناسی باید چهارچوب مدیریتی جدیدی را به‌کار گیرند که هم دامنه تجربه‌های موردنظر گردش‌گران را در بر گیرد و هم به حفاظت از سایت‌های باستان‌شناسی در برابر فشارهای گردش‌گری کمک کند که تا مدت‌ها لذت بازدید از این محوطه‌ها ادامه داشته باشد (ibid.). از اوایل قرن بیست‌ویکم میلادی، توجه به این نکته که میراث فرهنگی ملت‌ها بخشی از میراث فرهنگی بشری را تشکیل می‌دهد، نخست در ذهن اندیشمندان و سپس در عملکرد سازمان‌های بین‌المللی متجلی شد. تلقی میراث فرهنگی کشورها، به‌منزله بخش جدایی‌ناپذیر میراث بشری، ایجاد مکانیسم‌های حمایت بین‌المللی از میراث فرهنگی را نیز ایجاب می‌کرد (چراغچی ۱۳۷۹).

۳,۳ گردش‌گری و توسعه پایدار

گردش‌گری عامل مثبتی برای حفظ طبیعت و فرهنگ در نظر گرفته می‌شود. این برای جامعه میزبان سودآور است و اعضای آن انگیزه و منابع لازم را برای حفاظت و نگهداری از میراث خود به‌دست می‌آورند. هم‌بستگی بین فرهنگ و گردش‌گری به مفهوم «پایداری» از طریق برنامه‌ریزی و مدیریت اشاره دارد. گردش‌گری پایدار یک روش در توسعه است که به بهبود کیفیت زندگی در جامعه میزبان، ارائه تجربه‌های باکیفیت برای گردش‌گر، و حفظ کیفیت محیط این دو کمک می‌کند (Repiso 2004).

۴,۳ گردش‌گری باستان‌شناختی و آموزش

باوجود تعامل دیرسال باستان‌شناسی و گردش‌گری در ایران که اثر آن را در سفرنامه‌های قدیمی می‌توان دید، عمر رشته دانشگاهی مدیریت جهان‌گردی یا گردش‌گری در مراکز آموزشی ایران به‌زحمت به سه دهه می‌رسد و از ادغام دو سازمان جهان‌گردی و میراث فرهنگی بیش از چند سال نمی‌گذرد. روشن است که یکی از نتایج چنین وضعیتی فقدان و یا کمبود منابع و متون دانشگاهی است. به‌منظور رفع این نقیصه باید به تألیف یا ترجمه

منابع علمی و محققانه همت گماشت (نوری شادمهانی ۱۳۹۰). ارتباط باستان‌شناسی با دانش‌های دیگر مانند مدیریت گردش‌گری نباید فقط به حوزه‌های اقتصادی و اجرایی محدود شود، بلکه لازم است به فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی نیز معطوف گردد. اما متأسفانه باستان‌شناسی ایران در بُعد آموزشی عمومی خود نه‌تنها ناکام مانده، بلکه در این زمینه حتی تلاشی نیز انجام نمی‌شود. از این‌رو، دانش باستان‌شناسی اعم از اطلاعات درباره دوران باستان و آنچه باستان‌شناسان انجام می‌دهند تا به اطلاعات درباره دوران باستان دست بیابند نزد عامه مردم اعم از مردم کوچه و افراد تحصیل‌کرده در دیگر رشته‌ها در میان اقشار مختلف جامعه ایرانی ناچیز یا نادرست است (عبدی ۱۳۸۸).

۵.۳ ضرورت تدوین کتاب گردش‌گری باستان‌شناختی با رویکرد آموزشی برای رشته گردش‌گری

متأسفانه، از دهه ۱۳۶۰ تا به حال در سرفصل‌های رشته باستان‌شناسی هیچ تجدیدنظری صورت نگرفته است و اغلب اصلاحات و بهبودها در قالب‌های درون‌دانشگاهی و درون‌دانشکده‌ای اجرا شده است. متون سنتی همواره منابع واحدهای درسی و آزمون‌های ارشد و دکتری است؛ در صورتی که شاخص مهم یک متن آموزشی پویایی مطالب و کارآمدی آن است. کتاب درسی باید ناظر بر آخرین یافته‌ها و دستاوردهای پژوهشی و تحول‌های جهانی آن رشته باشد (صابری نجف‌آبادی ۱۳۹۳: ۶۰). به‌خصوص رشته باستان‌شناسی که در اصل، ماهیتی پویا دارد و هر روز داده‌ای جدید و تحلیلی جدید به آن اضافه می‌شود.

۴. لزوم نقد و بررسی سرفصل درس باستان‌شناسی رشته گردش‌گری در مقطع کارشناسی و ضرورت بازنگری در آن

اصطلاح «سرفصل» یا «برنامه درسی» در تعریفی مختصر و جامع عبارت است از «طرح یا الگویی سازمان‌دهی شده و منظم که آموزگار یا استاد را در اجرای هرچه بهتر فرایند تدریس کمک می‌کند». این طرح یا الگو شامل اهداف هر درس، محتوای درس، منابع مرتبط با آن درس، و روش تدریس آن درس است. سرفصل دروس در دانشگاه‌ها معیار استانداردسازی منابع درسی برای استاد و دانشجویان است تا در چهارچوب مشخصی تدریس و تحصیل کنند. سرفصل درسی به‌منزله یکی از ارکان اصلی آموزش، درکنار راهبردهای

تدریس و کتاب‌های مناسب می‌تواند نقش به‌سزایی در تحقق و پیش‌برد اهداف هر درس داشته باشد (متقی‌زاده و دیگران ۱۳۹۳).

برنامه‌ی درسی هر رشته‌ی دانشگاهی سند اساسی آن رشته محسوب می‌شود و از نوع نگرش به رشته و چگونگی مدیریت علمی و آموزشی آن حکایت دارد. تدوین یک سرفصل به‌منزله‌ی برنامه‌ی درسی و آموزشی یک رشته‌ی تحصیلی لازم است که مبتنی بر مبانی و اصولی علمی باشد تا بتواند فراگیری را به حد مطلوب برساند (فخاری ۱۳۹۶: ۲۱۱).

برنامه‌ریزی درسی در اغلب دانشگاه‌ها و رشته‌ها متعلق به سال‌های دور است که باید در آن تجدیدنظر کرد و درس‌های جدید که می‌تواند نیاز دانشجویان را برطرف کند به آن اضافه کرد. برنامه‌ی درسی و سرفصل‌های درسی رشته‌ی مدیریت جهان‌گردی در کمیته‌ی برنامه‌ریزی گردش‌گری به تاریخ ۱۳۹۵/۱/۲۳ بازنگری شده است. در این برنامه آمده است:

۱. به‌استناد نامه‌ی واگذاری اختیارات برنامه‌ریزی درسی مصوب جلسه‌ی شماره ۸۸۲ مورخ ۱۳۹۵/۱/۲۳ شورای عالی برنامه‌ریزی آموزشی، برنامه‌ی درسی بازنگری‌شده‌ی دوره‌ی کارشناسی رشته‌ی گردش‌گری براساس نامه‌ی شماره ۹۵/۴۰۱/ص مورخ ۹۵/۲/۸ کمیته‌ی برنامه‌ریزی گردش‌گری علوم اجتماعی دریافت شد.

۲. برنامه‌ی درسی بازنگری‌شده‌ی فوق‌الذکر جای‌گزین برنامه‌ی درسی دوره‌ی کارشناسی رشته‌ی مدیریت جهان‌گردی و دوره‌ی کارشناسی رشته‌ی مدیریت هتل‌داری مصوب جلسه‌ی شماره ۳۳۵ مورخ ۱۳۷۳/۱۲/۵ شورای عالی برنامه‌ریزی می‌شود.

۳. برنامه‌ی درسی مذکور در سه فصل مشخصات کلی، جداول واحدهای درسی، و سرفصل‌های دروس تنظیم شده و برای تمامی دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی و پژوهشی کشور، که طبق مقررات مصوب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری فعالیت می‌کند، برای اجرا ابلاغ می‌شود.

۴. این برنامه‌ی درسی از شروع سال تحصیلی ۱۳۹۶-۱۳۹۷ به‌مدت ۵ سال قابل اجراست و پس از آن نیازمند بازنگری می‌باشد.

از میان ۱۳۴ واحد در نظر گرفته‌شده برای کارشناسی گردش‌گری، که قبلاً مدیریت جهان‌گردی نامیده می‌شد، دو واحد درسی تخصصی برای واحد «باستان‌شناسی ایران»، که هم‌اکنون به «باستان‌شناسی» تغییر یافته، اختصاص داده شده است. سرفصل‌های این واحد در برنامه‌ی بازنگری‌شده به این صورت عنوان شده است:

شناخت علم باستان‌شناسی، شروع پیش از تاریخ در ایران، فرهنگ غارنشینی، استقرارگاه‌های اولیه شناسایی شده براساس تحقیقات باستان‌شناسی، فرهنگ و تمدن سفال قرمز منقوش، فرهنگ و تمدن سفال نخودی منقوش، فرهنگ و تمدن سفال خاکستری و عصر فلز، آشنایی با تمدن عیلام، آشنایی با پارت و ساسانی، باستان‌شناسی عمومی دوران اسلامی، اهمیت باستان‌شناسی در گردش‌گری، لزوم حفاظت از سایت‌های باستان‌شناسی و چگونگی بهره‌برداری از آنها در گردش‌گری.



بررسی و نقد کتاب *باستان‌شناسی ایران* (رقبه رحیمی سرخنی) ۱۳۱

جدول مقایسه ای دروس بازنگاری شده (۱)
نوع بازنگاری: فقط عناوین

عنوان دروس برنامہ جدید	عنوان دروس برنامہ قبلی
روش تحقیق در گردشگری	روش تحقیق
بازویش میدانی در گردشگری	بازویش میدانی در جهانگردی
شناخت مقل	شناخت روحیات مقل
نواهدین و نظریات حقوقی گردشگری	فوتین و نظریات حقوقی
مرجم شناسی	مجان مرجم شناسی
مدیریت بازاریابی و تبلیغات گردشگری	مدیریت بازاریابی و تبلیغات جهانگردی
اقتصاد گردشگری	اقتصاد جهانگردی
شناخت صنعت گردشگری	شناخت صنعت جهانگردی
زبان انگلیسی ۱	زبان انگلیسی ۱
زبان دوم	زبان دوم ۱
جغرافیای گردشگری	جغرافیای جهانگردی عمومی
پاسان شناسی	پاسان شناسی ایران
آشنایی با موزه ها	آشنایی با موزه های ایران
برنامه ریزی توسعه گردشگری	برنامه ریزی توسعه جهانگردی
مطالعات تطبیقی سیاست های گردشگری	مطالعات تطبیقی سیاست های جهانگردی
مکانی جامعه شناسی گردشگری	مکانی جامعه شناسی جهانگردی
اصول علم اقتصاد ۱	اصول علم اقتصاد خرد جهانگردی ۱
اصول علم اقتصاد ۲	اصول علم اقتصاد خرد جهانگردی ۲
اصول حسابداری ۱	اصول حسابداری جهانگردی ۱
اصول حسابداری ۲	اصول حسابداری جهانگردی ۲
ریاضیات کاربردی در گردشگری	ریاضیات کاربردی در مدیریت جهانگردی
آمار کاربردی در گردشگری	آمار کاربردی در مدیریت جهانگردی



جدول مقایسه ای دروس بازنگاری شده (۲)
نوع بازنگاری: تغییر دروس

دروس برنامہ جدید	دروس برنامہ قبلی
کلیات حقوقی	حقوق اساسی
تاریخ فرهنگ	تاریخ فرهنگ ایران ۱
هنر و تمدن اسلامی	تاریخ فرهنگ ایران ۲
مدیریت و برنامه ریزی سفر	برنامه ریزی و مدیریت گشت های جهانگردی
آیین ها و مراسم آیین ایران و جهان	فرهنگ عامه
آشنایی با سازمان های مرتبط با گردشگری	آشنایی با سازمان های دولتی ایران
ارتباطات انسانی در گردشگری	روانشناسی عمومی جهانگردی
اصول و کاربرد GIS در گردشگری	مکانی و کاربرد کامپیوتر در جهانگردی
اصول برنامه ریزی و مدیریت گردشگری	مکانی سازمان و مدیریت
اصول و روش برنامه ریزی گردشگری شهری	نقشه خوانی و آشنایی با نقشه
گردشگری روستایی	زبان انگلیسی ۲
تاریخ هنر ایران	زبان دوم ۲
تاریخ هنر جهان	هنر و معماری ایران ۱
زبان انگلیسی تخصصی	هنر و معماری ایران ۲
اسطرلاب شناسی	زبان انگلیسی تخصصی ۱
مدیریت دفاتر خدمات مسافرتی و صدور بلیط	زبان انگلیسی تخصصی ۲
جغرافیای طبیعی و انسانی ایران	اصول مسافرت و صدور بلیط
مدیریت و برنامه ریزی فراغت	جغرافیای جهانگردی ایران
آشنایی با منظر	گذران لذت فراغت
بوم شناسی	چیدار
گردشگری در تئوری ادبیات اسلامی شناخت	چیدار
ارتباطات میان فرهنگ گردشگری در کشورهای اسلامی	چیدار



۵- کلی واحدهای فروس تخصصی رشته مدیریت ترنتشاری ۲۰ واحد می‌باشد. به عبارت دیگر:

عنوان درس به فرس:	عنوان واحد:	نوع واحد:	پایه:	فروس به‌پیشانی:
	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰
عنوان درس به انگلیسی:	عنوان واحد:	نوع واحد:	پایه:	فروس به‌پیشانی:
	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰

Archeology

آموزش تکمیلی اصلی: داره ندارد اختیاری اصلی

سفر علمی: آزمایشگاه سمینار پروژه

اهداف:

آشنایی دانشجویان با علم باستان‌شناسی و تاریخ باستان‌شناسی ایران به منظور برقراری ارتباط بین فرهنگ و تمدن باستانی و گردشگری و همچنین ترک اهمیت حفاظت از آثار تاریخی و باستانی.

سرفصل و ترمین مطالب:

- شناخت علم باستان‌شناسی
- شروع پیش از تاریخ فر ایران
- فرهنگ ناز شناسی
- اسفرازگاه های اولیه شناسایی شده بر اساس تحقیقات باستان‌شناسی
- فرهنگ و تمدن سفال فرمز توش
- فرهنگ و تمدن سفال نغودی توش
- فرهنگ و تمدن سفال خاکستری و عصر فلز
- آشنایی با تمدن ایلام
- آشنایی با تمدن ماد و هخامنشی
- آشنایی با پارت و ساسانی
- باستان‌شناسی عمومی دوران اسلامی
- اهمیت باستان‌شناسی در گردشگری

روش ارزشیابی			
ارزشیابی مستمر	میان ترم	آزمون های نهایی	پروژه
✓		✓ آزمون های نوشتاری مکتوبی	✓

فهرست منابع:

- ایران از آغاز تا سینه‌دهم شهرنشینی، دکتر صادق ملک شهسوارزادی، انتشارات میراث فرهنگی.
- پیش از تاریخ بین‌النهرین، دکتر صادق ملک شهسوارزادی، انتشارات مارلیک.
- باستان‌شناسی و هنر دوران تاریخی، ماد، هخامنشی، اشکانی، ساسانی، انتشارات مارلیک، چاپ پنجم.
- بین‌النهرین، دکتر یوسف مجیدزاده، انتشارات نشر دانشگاهی.
- باستان‌شناسی غرب ایران، فرانک هول، انتشارات سمت.
- باستان‌شناسی هزاره اول، بی‌بی‌بی در ایران، دکتر حسن طلائی، انتشارات سمت.
- هنر ایران باستان، ماد و هخامنشی، گبرشمن، انتشارات علمی - فرهنگی.
- ماد - هخامنشی، دکتر بهمن فیروززندی، انتشارات مارلیک.
- از زمان داریوش، هاید ماری کج، انتشارات کارنگ.
- ایران باستان، جوزف ویسپوهر، انتشارات قفسوس.
- هنر ایران باستان، گبرشمن، انتشارات علمی - فرهنگی.
- تاریخ ایران کمبریج، آسمان یارشاظر، انتشارات امیرکبیر.
- تجدید هنر و تمدن در ایران باستان، جورجینا هرمان، نشر دانشگاهی.
- هنر و معماری اسلامی ۱، آنتیگنوزن - کرار، انتشارات سمت.
- هنر و معماری اسلامی ۲، شپلا بلر - چانانتان بوم، انتشارات سمت.
- سرفراز، علی اکبر، فیروززندی، بهمن، محسنی، حسین و محمدجعفر سرویدی.

تصویر ۲. برنامه درسی بازنگری شده کارشناسی رشته گردشگری، سال ۱۳۹۵

به نظر می‌رسد که آنچه در سرفصل دروس مدیریت جهان‌گردی و تبدیل آن به گردشگری صورت گرفته است، فقط تغییر عنوان واحد از «باستان‌شناسی ایران» به «باستان‌شناسی» است. استفاده دوباره از کلمات و اصطلاحاتی مانند فرهنگ غارنشینی، فرهنگ سفال نغودی، قرمز، و خاکستری که در کتاب‌ها و جزوه‌های دهه‌های ۱۳۶۰ و

بررسی و نقد کتاب *باستان‌شناسی ایران* (رقبه رحیمی سرخنی) ۱۳۳

۱۳۷۰ به کار می‌رفت نشان می‌دهد که بسیاری از موارد دوباره تکرار شده و بازنگری نشده است. این مسئله در معرفی منابع برای این واحد درسی نیز نمایان است. رفرنس‌های نامرتب، نصفه و نیمه، غیرتخصصی، بدون سال چاپ، و گاهی عنوان نشان‌دهنده تعجیل، شتاب‌زدگی، و ناآشنایی با منابع در نسخه بازنگری شده برنامه است (بنگرید به ارجاعات آخر در فهرست منابع درس باستان‌شناسی در زیر).

فهرست منابع

ایران از آغاز تا سپیده دم شهرنشینی، دکتر صادق ملک‌شهمیرزادی، انتشارات میراث فرهنگی.

پیش از تاریخ بین‌النهرین، دکتر صادق ملک‌شهمیرزادی، انتشارات مارلیک.
باستان‌شناسی و هنر دوران تاریخی، ماد، هخامنشی، اشکانی، ساسانی، انتشارات مارلیک، چاپ پنجم.

بین‌النهرین، دکتر یوسف مجیدزاده، انتشارات نشر دانشگاهی.

باستان‌شناسی غرب ایران، فرانک هول، انتشارات سمت.

باستان‌شناسی هزاره اول پم در ایران، دکتر حسن طلائی، انتشارات سمت.

هنر ایران باستان، (ماد و هخامنشی)، گیریشمن، انتشارات علمی و فرهنگی.

ماد — هخامنشی، دکتر بهمن فیروزمندی، انتشارات مارلیک.

از زبان داریوش، هاید ماری کخ، انتشارات کارنگ.

ایران باستان، یوزف ویسهوفر، انتشارات ققنوس.

هنر ایران باستان، رومن گیریشمن، انتشارات علمی و فرهنگی.

تاریخ ایران کمبریج، احسان یارشاطر، انتشارات امیرکبیر.

تجدیدحیات و هنر و تمدن در ایران باستان، جورجینا هرمان، نشر دانشگاهی.

هنر و معماری اسلامی ۱، اتینگهاوزن — گرابر، انتشارات سمت.

هنر و معماری اسلامی ۲، شیلابلر — جاناتان بلوم، انتشارات سمت.

سرفراز، علی‌اکبر، فیروزمندی، بهمن، محسنی، حسین، و محمدجعفر سروقندی.

۱,۴ ارزیابی و انتقاد صوری

طرح روی جلد کتاب نقشه ایران را نشان می‌دهد. در داخل نقشه برخی از مهم‌ترین محوطه‌های باستان‌شناسی ایران مانند زیگورات چغازنبیل، تخت‌جمشید، پاسارگاد، نقش

رستم، سلطانیه، ارگ بم، آرامگاه حافظ، طوس، و ... نشان داده شده است که تأثیر زیادی در جذب گردش‌گر نیز داشته و دارند. انتخاب این طرح هم‌خوانی زیادی با عنوان کتاب و سرفصل‌های این درس دارد. نظرها در مورد طرح و رنگ‌های به‌کاررفته بسیار سلیقه‌ای است و خوانش‌های متفاوتی را در پی خواهد داشت.

طرح به‌کاررفته روی جلد اشاره صریحی به موضوع اصلی کتاب دارد. هر رنگی قابلیت استفاده دارد، شاید اگر رنگ روشن‌تری در زمینه استفاده می‌شد، طرح روی جلد نمایان‌تر و آشکارتر بود، اما شاید استفاده از رنگ تیره در اطراف این موضوع معنای خاصی برای نگارندگان داشته و اشاره به مسائلی درباره مدیریت گردش‌گری در ایران دارد!

جای بسی خوش‌وقتی است که در کتاب *باستان‌شناسی ایران* مؤلفان از کلمات تخصصی و روزآمدی هم‌چون «دوران پارینه‌سنگی» به‌جای «غارنشینی» استفاده کرده‌اند. ایده خوب دیگر استفاده از معادل‌های دوره‌ها در کنار هم در فهرست‌بندی کتاب است؛ مانند «دوره جمع‌آوری غذا» که در فهرست در کنار دوره پارینه‌سنگی آورده شده است. به‌نظر می‌رسد که این امر به علت تخصص‌بینارشته‌ای مؤلف یا مؤلفان این کتاب است که هم دانش‌آموخته رشته مدیریت جهان‌گردی و هم باستان‌شناسی هستند و به‌خوبی با مباحث هر دو رشته آشنایی دارند.

یکی دیگر از نقاط قوت اصلی کتاب روانی، سادگی متن، و استفاده از زبانی گویا در هر فصل و هر بخش است. از آنجایی که مخاطب اصلی کتاب دانشجویان هستند و هدف اصلی در کتاب نیز آموزش و انتقال مطالب است، این ویژگی یعنی روان‌خوانی و ساده‌نویسی اثر هرچه بیش‌تر هدف نگارش کتاب را برآورده می‌کند.

یکی از نکاتی که در بیش‌تر کتاب‌های درسی، به‌ویژه کتاب‌های درسی حوزه باستان‌شناسی چندان رعایت نمی‌شود و همیشه یکی از مشکلات اصلی دانشجویان و استادان است نبود تصویرها و طرح‌های مناسب و باکیفیت است. البته این مشکلات در کتاب‌های درسی مهم دیگری از این حوزه که چاپ‌های متعددی را هم پشت‌سر گذاشته‌اند هم چنان دیده می‌شود (ملک‌شهمیرزادی ۱۳۷۸). متأسفانه، یکی از نقاط ضعف اصلی این اثر نیز نداشتن تصویرهای کافی و طرح‌های باکیفیت و رنگی است که از نظر جاگزینی نیز در صفحه‌های مرتبط با متن قرار نگرفته است. امید است که در ویراست‌های بعدی کتاب، دیگر تصویرها، مانند نقشه‌ها، اندکی باکیفیت‌تر ارائه شوند که قطعاً بر ارزش کتاب خواهد افزود. دسترسی به تصویر برخی محوطه‌ها، سایت‌موزه‌ها، و نقشه‌ها در حد یک جست‌وجوی ساده در موتور جست‌وجوی گوگل است.

از دیگر نقاط قوت کتاب، به‌خصوص در فصل دوم، ایده استفاده از نقشه پراکندگی محوطه‌های مهم و شاخص هر دوره است. از دوره پارینه‌سنگی تا نوسنگی از نقشه‌های پراکندگی خوبی استفاده شده که اطلاعات بصری و موجزی را به مخاطب ارائه می‌کند، اما متأسفانه از دوره نوسنگی به بعد از نقشه استفاده نشده و این ایده خوب و کاربردی ناقص مانده است. استفاده از نقشه‌هایی که پراکندگی پایگاه‌های جهانی را هم نشان می‌دهد ایده بسیار خوبی است که کاش در بخش سایت‌موزه‌ها هم از آن استفاده می‌شد.

از نقاط قوت دیگر کتاب استفاده از جدول‌های گاه‌نگاری است (حاجی‌زاده و پورکریمی ۱۳۹۶: ۳۰-۴۸). استفاده از جدول‌ها آن هم در کتاب‌های درسی اطلاعات بسیار مفید را به‌صورت موجز و مختصر در اختیار دانشجویان قرار می‌دهد.

یکی از قسمت‌های مهم پایانی در انتهای کتاب‌های درسی دانشگاهی نمایه است که شامل نمایه اسامی، مکان‌ها، و نمایه موضوعی است. وجود نمایه در کتاب محققان را در دسترسی آسان به مفاهیم و موضوعات داخل کتاب یاری می‌دهد (آرمند ۱۳۹۴). سزاوار و شایسته است که در کتاب‌های درسی دانشگاهی این امر مغفول واقع نشود. شاید بتوان یکی از کاستی‌های این کتاب را نمایه‌گذاری نکردن آن دانست. بسیاری از پژوهش‌گران در جست‌وجوی موارد خاصی از یک کتاب هستند. نمایه با قراردادن اسامی خاص و اصطلاحات در انتهای کتاب، این افراد را در یافتن مطلب موردنظرشان یاری می‌کند (مهرآفرین ۱۳۹۶).

آوردن معادل لاتین اصطلاحات و مفاهیم مهم علمی در پایان کتاب درسی بسیار مهم و حائز اهمیت است. ضروری است که خواننده کتاب برای درک صحیح مطالب از معادل لاتین اصطلاحات آگاهی یابد. واژه‌نامه باید به واژه‌های کلیدی کتاب محدود باشد (آرمند ۱۳۹۴). این کتاب واژه‌نامه مستقل ندارد که البته از معایب آن به‌شمار می‌رود، اما در پانویس‌های مربوط به هر صفحه معادل‌های انگلیسی کلمات مهم ذکر شده است.

۲,۴ ارزیابی و انتقاد محتوایی اثر

کتاب از نظر محتوایی در کنار اطلاعات موجز و مفیدی که دارد و هم پتانسیل استفاده در رشته باستان‌شناسی و هم گردش‌گری را دارد، کاستی‌هایی را هم دارد که برخی از مهم‌ترین آن‌ها به شرح ذیل است:

۱,۲,۴ ناهم‌خوانی نام کتاب و محتوای آن

ضعف محوری کتاب ناهم‌خوانی میان محتوا و عنوان آن است. عنوان «باستان‌شناسی ایران» در نگاه اول، کتابی تاریخی — توصیفی در مورد دوره‌ها، محوطه‌های باستان‌شناسی ایران، ویژگی‌های مهم هر دوره، و محوطه را به اذهان متبادر می‌کند، اما در واقع چنین مضمونی ندارد و تقریباً بیش از دوسوم از حجم ۲۳۰ صفحه‌ای کتاب درباره تعریف‌های کلی از علم باستان‌شناسی و رابطه باستان‌شناسی و گردش‌گری است؛ به طوری که می‌توان گفت بیش‌تر محتوای کتاب را مطالبی غیر از باستان‌شناسی ایران در بر می‌گیرد. بنابراین، به نظر می‌رسد که عنوان کتاب گویای محتوای آن نیست و شاید عنوان «گردش‌گری فرهنگی» یا «گردش‌گری باستان‌شناختی» یا با اغماض عنوان «گردش‌گری باستان‌شناختی در ایران» بیش‌تر با محتوای آن سازگار باشد. فصل‌های اول و دوم بیش‌تر جنبه مقدمه‌چینی دارند که می‌شد آن‌ها را به اختصار در قالب چند صفحه آورد. در این کتاب نویسنده بیش از همه رابطه باستان‌شناسی و گردش‌گری و مقوله گردش‌گری فرهنگی را مطرح می‌کند. البته چون کتاب به منزله منبع درسی برای گروه گردش‌گری تهیه شده، توجه به ماهیت میان‌رشته‌ای باستان‌شناسی و ارتباط آن با گردش‌گری توجیه‌پذیر است، اما با توجه به سرفصل‌های پیش‌بینی شده و عنوان کتاب انتظار می‌رود که حداقل برخی از مهم‌ترین محوطه‌های باستان‌شناسی ایران نیز به تفصیل معرفی می‌شدند یا حداقل یک پایگاه اطلاعاتی از محوطه‌های هر دوره و ویژگی‌های مهم آثار باستان‌شناختی آن‌ها به صورت پیوست تهیه می‌شد. ضمن این‌که برخی از مباحث مطرح شده در کتاب درباره انواع گردش‌گری (در فصل چهارم) یا مدیریت میراث باستان‌شناختی با رویکرد توسعه پایدار گردش‌گری (در فصل پنجم) در بسیاری از واحدهای دیگر این رشته در منابع مختلف مورد بحث قرار می‌گیرد. آنچه دانشجویان رشته گردش‌گری با آن آشنا نیستند موضوع‌های باستان‌شناختی ایران است که باید در این واحد مطرح شود؛ به خصوص که در ایران حتی در رشته باستان‌شناسی هم کتاب جامع و موجزی درباره باستان‌شناسی ایران وجود ندارد و اطلاعات را باید از کتاب‌های مختلف و مقاله‌های پراکنده زیادی جمع‌آوری کرد و در کنار هم دیگر قرار داد.

۲,۲,۴ استفاده نکردن از منابع معتبر، به‌روز، و تخصصی در برخی از فصل‌ها

متأسفانه، در بخش مربوط به تاریخچه باستان‌شناسی از معتبرترین منبع این مبحث مانند کتاب تاریخچه علم باستان‌شناسی نوشته بروس تریگر استفاده نشده است (Trigger 1989) و به جای آن از مقالات عمومی‌تر و غیرتخصصی‌تر در مورد این موضوع مثل نوری شادمهانی

(۱۳۹۰)، کریمی (۱۳۸۱)، یا هول و هایزر استفاده شده است (Hole and Heizer 1965). بهترین منبعی که در این بخش استفاده شده کتاب تایلر است که از منابع معتبر، ولی متأسفانه قدیمی در این مبحث است (Tylor 1971).

نمونه دیگر در استفاده نکردن از منابع جدید و معتبر در همین فصل در صفحه شش پاراگراف دوم خط نهم است: «محدوده مطالعات باستان‌شناسی از زمانی است که انسان‌ها شروع به ساخت ابزار کردند. این امر در حدود دو میلیون سال پیش اتفاق افتاد».

متأسفانه، منبعی هم در این مورد ذکر نشده است، اما طبق منابع جدید، اولین دست‌ساخته‌های گونه انسان به حدود $\frac{3}{4}$ میلیون سال قبل برمی‌گردد (McPherron et al. 2010)، اما برخی کهن‌ترین شواهد انسان‌ریخت‌ها را مربوط به $\frac{2}{5}$ میلیون سال پیش در دره ریفت در اتیوپی می‌دانند (Ambrose 2001). در این موارد نگارندگان می‌توانستند به آخرین و جدیدترین منابع فارسی نیز رجوع کنند (وحدتی‌نسب و آریامنش ۱۳۹۴).

یکی از بهترین و مفصل‌ترین بخش‌ها در این کتاب بخش مربوط به باستان‌شناسی ایران، به‌ویژه بازدید جهان‌گردان از نقاط باستانی ایران در صفحه‌های ۱۳ تا ۱۵ کتاب است که درست مطابق با عنوان کتاب و سرفصل‌های این واحد است. این بخش هم در محتوای باستان‌شناسی ایران و هم در گردش‌گری باستان‌شناسی ایران قابل استفاده است، به‌ویژه این‌که در یک توالی منظم و درست لیستی از گردش‌گران و سفرنامه‌نویسانی که به ایران آمده و از آثار باستانی ایران بازدید کرده و آن‌ها را ثبت کرده‌اند تهیه شده است.

در فصل دوم کتاب، یعنی در فصل گاه‌نگاری تاریخ ایران براساس شواهد باستان‌شناسی و منابع مکتوب دوران‌های مختلف فرهنگ ایران به سه دوره کلی با استفاده از کلمات و اصطلاحات تخصصی و درست تقسیم‌بندی شده است. یکی از نقاط قوت کتاب استفاده از معادل برای هر دوره است؛ مثلاً، معادل دوره جمع‌آوری غذا در کنار دوره پارینه‌سنگی یا استفاده از معادل دوره روستانشینی پیشرفته برای دوره مس — سنگی یا دوره شهرنشینی در کنار عصر مفرغ (برنز) است که در این مورد به‌نظر می‌آید که از منابع درست و جدیدی استفاده شده است.

متأسفانه، در فصل دوم در بخش گاه‌نگاری مربوط به دوره پارینه‌سنگی از منابع جدید و روزآمد استفاده نشده است و دو منبع استفاده‌شده (حریریان و دیگران ۱۳۸۷؛ ملک‌شهمیرزادی ۱۳۹۰) عمومی‌تر و فاقد اطلاعات دقیق و جدید از دوره پارینه‌سنگی‌اند.

دوره پارینه‌سنگی دوره ای مهم و طولانی در تاریخ زندگی بشر است که اگر حیات انسان را به یک ساعت تشبیه کنیم، انسان ۵۹ دقیقه را در دوره پارینه‌سنگی و ۱ دقیقه را از دوره نوسنگی تا حال گذرانده است. ضمن این که بسیاری از محوطه‌های باستان‌شناسی از دوره پارینه‌سنگی مانند غارها، پناه‌گاه‌ها، و مسیرها می‌تواند منابع خوبی برای بازدید گردش‌گران باشد. متأسفانه، در این بخش حتی از منابع جدید و تخصصی به زبان فارسی هم استفاده نشده است (وحدتی نسب و آریامنش ۱۳۹۴).

اطلاعات مربوط به عصر آهن در بخش شمال غرب ایران، که در صفحه ۴۶ پاراگراف دوم به آن اشاره شده، مثلاً در مورد آغاز عصر آهن نیز مستخرج از منابع قدیمی است (ملازاده ۱۳۷۳)؛ در صورتی که بازنگری‌های جدید نشان می‌دهد که عصر آهن به‌ویژه در بخش شمال غرب ایران در حدود ۱۲۰۰ پم شروع شده است (Danti 2004; Danti 2013). مورد دیگر در استفاده نکردن از منابع جدید نام‌بردن از هگمتانه به منزله پایتخت مادها در جدول صفحه ۴۸ و در صفحه ۵۳ است، در حالی که کاوش‌های قدیمی و اخیر باستان‌شناختی انجام شده در این محوطه هنوز این نظر را تأیید نمی‌کند (آذرنوش ۱۳۸۶؛ ملازاده و طاهری دهکردی ۱۳۹۰).

فصل هفتم در مورد سایت‌موزه‌ها و نقش آن در توسعه گردش‌گری است. در واحدهای درسی مربوط به کارشناسی مدیریت گردش‌گری واحدی با نام «آشنایی با موزه‌های ایران» وجود داشت که اکنون به «آشنایی با موزه‌ها» تغییر یافته است. به نظر می‌رسد که این مبحث می‌تواند به صورت مستقل نیز مطرح شود، اما به علت اهمیتی که سایت‌موزه‌ها در جذب گردش‌گر دارند، بررسی آن در این کتاب چه با محتوای باستان‌شناسی ایران و چه با محتوای گردش‌گری باستان‌شناختی لازم و ضروری است. متأسفانه، باز در این مورد سایت‌موزه‌های جدیدی مانند شهر زیرزمینی نوش‌آباد در کاشان یا شهر زیرزمینی سامن در ملایر یا ارزانفود بررسی نشده است. دقیقاً در مواردی که هنوز در اول راه است و در آن‌ها نیاز مبرم به برنامه‌ریزی‌های گردش‌گری و گردش‌گری باستان‌شناختی داریم تا اشتباه‌های گذشته تکرار نشوند. ضمن این که در بخش سایت‌موزه‌ها، محوطه‌های مهم و بزرگی مانند حسنلو، شهر سوخته، شوش، تخت سلیمان، بیستون، سلطانیه، و ... نادیده انگاشته شده است و به توضیحات بسیار کوتاه و پراکنده به صورت پانویس عکس‌ها بسنده شده است. معیار انتخاب و معرفی سایت‌موزه‌ها در این بخش مشخص نیست و بهتر بود که از هر دوره و هر منطقه حداقل یک سایت‌موزه مهم معرفی و تشریح شود.

در بخش کتاب‌نامه نیز اشتباه‌هایی دیده می‌شود؛ مثلاً، نام کامل «Walter Willard Taylor, Jr» در کتاب‌نامه به صورت «Tylor, T.F» نوشته شده است.

۳,۲,۴ ارائه نکردن اطلاعات ضروری، تخصصی، و روشن در برابر ارائه اطلاعات بسیار تخصصی، غیر ضروری، و گاه مبهم

در صفحه ۳۲ کتاب در ذیل بخش پارینه‌سنگی میانی از کلمه «لوالوا» به منزله ویژگی اصلی این دوره نام برده شده است و نه منبعی برای آن ذکر شده و نه توضیحی داده شده است. حداقل باید توضیح داده می‌شد که «لوالوا» یک تکنیک ساخت ابزار در این دوره است. هر چند مطرح کردن آن به علت تخصصی بودن ضروری به نظر نمی‌رسد و بیش‌تر باعث ایجاد سؤال در خواننده می‌شود.

نگارندگان در فصل دوم کتاب در بخش «عیلام» در صفحه ۴۸ به خوبی تمدن عیلام و تقسیم‌بندی‌های خردتر آن را معرفی نکرده‌اند. این دوره، که حدود دوهزار سال را در بر می‌گیرد، هم‌زمان با یکی از مهم‌ترین تحولات تاریخ بشر یعنی پیدایش خط است که نقشی بس مهم در سرنوشت فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی این تمدن داشته است. آثار مربوط به این تمدن در هر سه دوره قدیم، جدید، و نو در ایران به دست آمده است. برخی از آثار این دوره مثل موزه و سایت موزه هفت‌تپه، سایت موزه چغازنبیل، و نقوش برجسته ایزه می‌تواند هم‌خوانی خوبی با محتوای کتاب داشته باشد که هیچ‌کدام از این موارد به صورت مفصل و درست معرفی نشده‌اند و فقط به اشاره‌های کلی و پراکنده و گاهی چند سطر اطلاعات بسیار کلی در پانویس عکس‌ها بسنده شده است.

در صفحه ۴۸ کتاب در فصل دوم جدولی وجود دارد که دوره‌های تاریخی را نشان می‌دهد. بازه‌های زمانی، پایتخت‌ها، و ویژگی مشخصه هر دوره در جدول آمده است. در ذیل ستون مربوط به «مشخصه اصلی» هر دوره گزاره‌های مبهم و ناهم‌خوان درج شده است؛ مثلاً، ویژگی اصلی دوره عیلام هم‌زمانی با عصر مفرغ و آهن و دارای خط ذکر شده، ویژگی اصلی دوره ماد هم‌زمانی با آهن III و بدون خط ذکر شده که تا این‌جا کار باغماض قابل قبول است؛ اما به یک‌باره ویژگی‌های اصلی دوره هخامنشی شرق علیه غرب، ویژگی دوره سلوکیه شرق علیه غرب، ویژگی دوره اشکانی شرق و غرب علیه یک‌دیگر، و ویژگی دوره ساسانی توسعه تمدن ایرانی عنوان شده است. مشخص نیست که چرا مشخصه‌های تکنولوژیکی و ساختاری یک‌باره به مشخصه‌های فرعی نظامی و سیاسی تغییر یافته است، در صورتی که می‌شد در ادامه شروع دوره امپراتوری در دوره هخامنشی و

ویژگی‌های ساختاری هر دوره مطرح شود یا ویژگی‌های هنری و تکنولوژیکی به منزله مشخصه اصلی هر دوره ذکر شود.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادهای کاربردی

این‌ها بخشی از اشتباه‌ها یا کاستی‌های کتاب *باستان‌شناسی ایران* بود. اغلب این اشتباه‌ها و کاستی‌ها مربوط به دو فصل اول کتاب، یعنی بخش‌های مربوط به باستان‌شناسی است که در واقع انتظار می‌رفت محتوای اصلی کتاب هم باشد. فصل‌هایی که در آن‌ها مباحث بینارشته‌ای مطرح شده است قوی‌تر و معتبرتر به نظر می‌رسد؛ به این علت که مؤلفان یا مؤلفی از کتاب در کارشناسی دانش آموخته رشته مدیریت جهان‌گردی بوده است و با منابع، مباحث، و دغدغه‌های این رشته آشنایی بیشتری دارد و در دوران کارشناسی ارشد دانش آموخته باستان‌شناسی بوده است و آشنایی کم‌تری با این رشته دارد.

در مجموع، به نظر می‌رسد که فقط فصل دوم کتاب با عنوان «گاه‌نگاری تاریخ ایران براساس شواهد باستان‌شناسی و منابع مکتوب» که باستان‌شناسی و هنر ایران را از آغاز فرهنگ پارینه‌سنگی تا دوره قاجار بررسی می‌کند مناسب‌ترین فصل درباره این عنوان است، اما متأسفانه به دوره‌های پیش از تاریخ، تاریخی، و اسلامی ایران به صورت خیلی مختصر اشاره شده است. استفاده از تصویرها و نقشه‌ها برای فهم بهتر مباحث است، اما کیفیت تصویرها مناسب کتاب‌های آموزشی و درسی نیست.

نویسندگان در این کتاب کوشیده‌اند و جوه کاربردی باستان‌شناسی را بررسی کنند و در کنار آن پاره‌ای از مفاهیم باستان‌شناسی را، که به نوعی با گردش‌گری مرتبط است، تبیین نمایند. آن‌ها در بخش نخست «ماهیت باستان‌شناسی و اهداف آن» را بررسی می‌کنند. در بخش دوم کتاب «گاه‌نگاری تاریخ ایران را براساس شواهد باستان‌شناسی و منابع مکتوب» ارائه می‌کنند و تعریف‌های کوتاهی از دوره‌های پارینه‌سنگی تا قرن چهاردهم هجری ارائه می‌شود. «کارکردهای باستان‌شناسی در جوامع امروزی» عنوان بخش سوم کتاب است که به جنبه کاربردی باستان‌شناسی اختصاص دارد. نگارندگان در بخش چهارم با عنوان «ارتباط باستان‌شناسی و گردش‌گری» مقوله گردش‌گری و به طور اخص گردش‌گری فرهنگی و انواع آن را بررسی کرده و جاذبه‌های باستان‌شناختی را ارزش‌گذاری می‌کنند. در بخش پنجم با عنوان «مدیریت میراث باستان‌شناختی با رویکرد توسعه پایدار گردش‌گری» چند مقوله بررسی و ارزیابی می‌شود که عبارت‌اند از مدیریت میراث باستان‌شناختی، نگهداری و حفاظت، آموزش حرفه‌ای و مشارکت‌های بین‌المللی، و جلوگیری از خطرات احتمالی.

بخش ششم کتاب نیز به مقوله «سایت‌موزه‌ها» اختصاص دارد که طی آن نقش سایت‌موزه‌های باستان‌شناسی در توسعه گردش‌گری تبیین می‌شود. «واژه‌نامه» و «نمایه» در انتهای کتاب دیده نمی‌شود.

در انتها، پیش‌نهاد می‌شود که سرفصل‌های کنونی واحد باستان‌شناسی در رشته گردش‌گری بررسی شود و با استفاده از عنوان‌ها، تعریف‌ها، اصطلاحات، و منابع جدید نوین‌سازی شود. همچنین، پیش‌نهاد می‌شود که تعداد واحدهای این درس باتوجه به اهمیت و کاربردی بودن آن از دو واحد کنونی به حداقل شش واحد درسی با عنوان‌های «باستان‌شناسی جهان»، «باستان‌شناسی ایران»، و «گردش‌گری باستان‌شناسی» افزایش یابد. در این صورت، دانشجوی در سه سال اول در هر سال دو واحد درس باستان‌شناسی خواهد داشت. به منظور تخصصی‌کردن این رشته بهتر است از درس‌هایی مانند «تاریخ فرهنگ ۱ و ۲» کاسته شود و درس‌هایی با عنوان‌های تخصصی و روشن جای‌گزین شوند.

برای محتوای کتاب پیش‌نهاد می‌شود که بخش باستان‌شناسی و باستان‌شناسی ایران تقویت شود و از منابع جدیدتر استفاده شود و برای فصل‌هایی که درباره گردش‌گری است مثال‌های بیشتری از محوطه‌های باستان‌شناسی ایران عنوان شود.

در ضمن، پیش‌نهاد می‌شود که در انتهای فصل آخر، یعنی «نقش سایت‌موزه‌ها در توسعه صنعت گردش‌گری» معرفی همه‌جانبه‌ای از سایت‌موزه‌های هر دوره و هر منطقه ارائه شود. مثلاً، سایت‌موزه‌های بیش‌تری از دوران پیش از تاریخ مثل سایت‌موزه «حسنلو» در شمال غرب کشور یا سایت‌موزه «شهر سوخته» از جنوب شرق کشور معرفی شود و کاستی‌های آن بررسی شود. ضمن این‌که راه‌کارهای کاربردی برای محوطه‌هایی هم‌چون شهر زیرزمینی نوش‌آباد، سامن، و ارزانفود که در ابتدای راه سایت‌موزه‌شدن است ارائه شود.

هم‌چنین، پیش‌نهاد می‌شود که در ویرایش این کتاب برای استفاده بیشتر ترخوانندگان نمایه و واژه‌نامه در انتهای کتاب آورده شود.

و در پایان، اگر هدف از این واحد آشنایی دانشجویان با علم باستان‌شناسی و تاریخ باستان‌شناسی ایران است و عنوان واحد درسی «باستان‌شناسی ایران» است، پیش‌نهاد می‌شود که در فصل دوم در انتهای هر بخش و دوره مهم‌ترین محوطه‌های هر دوره، محل قرارگیری و کروکی‌های دقیق به‌هم‌راه عکس‌ها و نقشه‌های باکیفیت، ویژگی‌های شاخص، و ... اضافه شود و اگر نام واحد به «باستان‌شناسی» تغییر یافته است، سرفصل‌های مربوط به «باستان‌شناسی ایران» حذف شود و مباحث کلی‌تری در مورد باستان‌شناسی جهان جای‌گزین شود.

پی‌نوشت

۱. جناب بهاء‌الدین خرمشاهی در ابتدای مقاله خود در مجموعه نقد کتاب و کتاب نقد به کلام سعدی اشاره کرده و نگارنده نیز این ایده را اقتباس کرده است (خرمشاهی ۱۳۸۶).

کتاب‌نامه

- آذرنوش، مسعود (۱۳۸۶)، «گزارش مقدماتی کاوش‌های لایه‌شناختی تپه هگمتانه همدان»، در: *باستان‌شناسی، گزارش‌های باستان‌شناسی، مجموعه مقالات نهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران*، ش ۷، ج ۱، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- آرمند، محمد (۱۳۹۴)، «بررسی و نقد کتاب آموزش و پرورش مقایسه‌ای»، پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ش ۴.
- افخمی، بهروز (۱۳۸۶)، *مقدمه‌ای بر ارتباط باستان‌شناسی و گردش‌گری*، تهران: عیلام.
- بختیاری، صادق، افسانه ترابی، و فرزاد سجادیه خواجه‌بویی (۱۳۹۳)، «گردش‌گری فرهنگی و طبیعی در کشورهای منتخب سازمان کنفرانس اسلامی (OIC)»، *دوفصل‌نامه مطالعات اجتماعی گردش‌گری*، ش ۴.
- پرچکانی، پروانه (۱۳۹۳)، «آمایش منظر و مدیریت گردش‌گری»، *منظر*، ش ۲۹.
- پوراحمد، احمد و دیگران (۱۳۹۱)، «بررسی و تحلیل نقش موزه‌ها در توسعه گردش‌گری فرهنگی (مطالعه موردی: موزه‌های شرق استان مازندران)»، *مجله برنامه‌ریزی و توسعه گردش‌گری*، ش ۱.
- چراغچی، سوسن (۱۳۷۹)، «منشورهای بین‌المللی در حفاظت از میراث فرهنگی»، *اثر*، ش ۳۱-۳۲.
- حاجی‌زاده، کریم و پرویز پورکریمی (۱۳۹۶)، *باستان‌شناسی ایران: برنامه‌ریزی و مدیریت گردش‌گری*، تهران: سمت.
- حریریان، محمود و دیگران (۱۳۸۷)، *تاریخ ایران باستان*، تهران: سمت.
- حسین‌زاده ساداتی، جواد (۱۳۹۶)، «بررسی و نقد کتاب تاریخ فرهنگ و هنر ایران پیش از اسلام»، *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ش ۴.
- حسین‌زاده ساداتی، جواد و الهام وثوق (۱۳۸۹-۱۳۹۰)، «کارکردهای باستان‌شناسی در جوامع امروزی»، *پژوهش‌های باستان‌شناسی مدرس*، ش ۴.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۸۶)، «آیین نقد کتاب»، در: *کتاب نقد و نقد کتاب*، تهران: مؤسسه خانه کتاب.
- ساعی، علی، مختار نائیجی، و محمد رضایی (۱۳۸۹)، «ارتباط بین تبلیغات و جذب گردش‌گر فرهنگی در ایران (مطالعه موردی گردش‌گران خارجی فرهنگی اصفهان)»، *دانش‌نامه علوم اجتماعی تربیت مدرس*، ش ۴.

بررسی و نقد کتاب *باستان‌شناسی ایران* (رقبه رحیمی سرخنی) ۱۴۳

صابری نجف‌آبادی، ملیحه (۱۳۹۳)، «ضرورت تدوین کتاب فلسفه اسلامی با رویکرد آموزشی»،
دوفصل‌نامه علمی و پژوهشی پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، ش ۳۳.
عبدی، کامیار (۱۳۸۸)، «باستان‌شناسی و پتانسیل‌های آموزشی آن»، پژوهش‌های باستان‌شناسی مدرس،
ش ۲.

عسگریور، وحید (۱۳۹۶)، «نگارش آغازین و جایگاه آن در تطور فرهنگ و ادراک انسان؛ نقدی بر کتاب
شکل‌گیری و توسعه آغاز نگارش در ایران»، پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی،
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ش ۴.

فخاری، علیرضا (۱۳۹۶)، «نقد مبانی کلان در برنامه‌ریزی درسی رشته قرآن و حدیث»، پژوهش‌نامه
انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ش ۵.
فناپی اشکوری، محمد (۱۳۸۶)، «عیار نقد»، در: کتاب نقد و نقد کتاب، تهران: مؤسسه خانه کتاب.
کریمی، فاطمه (۱۳۸۱)، «باستان‌شناسی»، در: دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران: مرکز دایرةالمعارف
بزرگ اسلامی.

لباف خانیکی، میثم (۱۳۹۶)، «بررسی و نقد کتاب شهرهای ساسانی از منظر باستان‌شناسی و تاریخ»،
پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،
ش ۴.

متقی‌زاده، عیسی، کبری روشنفکر، و سجاد اسماعیلی (۱۳۹۳)، «نقد و بررسی سرفصل درس متون نظم
و نثر رشته زبان و ادبیات عربی در مقطع کارشناسی و ضرورت بازنگری در آن»، پژوهش‌نامه
انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ش ۴.
ملازاده، کاظم و معصومه طاهری دهکردی (۱۳۹۰)، «تاریخچه، جایابی و ساختار هگمتانه مادی»،
مطالعات شهر ایرانی - اسلامی، ش ۶.

ملازاده، کاظم (۱۳۷۳)، *پیدایش فن تولید آهن و سیر تحول کاربرد آن در شمال غرب ایران (۱۵۰۰-
۵۰۰ ق.م)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
ملک‌شهمیرزادی، صادق (۱۳۸۷)، *باستان‌شناسی ایران از آغاز تا سپیده‌دم شهرنشینی*، تهران: سازمان
میراث فرهنگی.

ملک‌شهمیرزادی، صادق (۱۳۹۰)، *اطلس باستان‌شناسی ایران*، تهران: سمت.
مهرآفرین، رضا (۱۳۹۶)، «نقدی بر کتاب *باستان‌شناسی ماد*»، پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم
انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ش ۴.

موسوی‌نیا، سیدمهدی، حبیب شهبازی شیران، و محمد باشکوه (۱۳۹۴)، «نقش گردش‌گری و موزه‌های
مردم‌شناسی و باستان‌شناسی در حفظ و معرفی میراث معنوی کشور (مطالعه موردی: موسیقی
آذربایجان)»، ارائه‌شده در: نخستین کنفرانس گردش‌گری، جغرافیا و باستان‌شناسی.
نوری شادمهانی، رضا (۱۳۸۹)، «مقدمه‌ای بر ارتباط باستان‌شناسی و گردش‌گری»، کتاب ماه علوم
اجتماعی، ش ۲۸.

نوری شادمهانی، رضا (۱۳۹۰)، تاریخ فرهنگ و تمدن ایران، تهران: مهکامه.
وحدتی نسب، حامد و شاهین آریامنش (۱۳۹۴)، باستان‌شناسی پارینه‌سنگی ایران از آغاز تا سپیده‌دم
روستانشینی، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.

- Ambrose, S. H. (2001), "Paleolithic Technology and Human Evolution", *Science*, vol. 291.
- Comer, D. C. and W. J. Willems (2011), "Tourism and Archaeological Heritage Driver to Development or Destruction", *ICOMOS*, Paris.
- Danti, M. (2004), *The Ilkhanid Heartland: Hasanlu Tepe* (Iran) Period I. Philadelphia: UPenn Museum of Archaeology.
- Danti, M. (2013), *The Late Bronze and Early Iron Age in Northwestern Iran*, Oxford: Oxford.
- Hole, F. and R. F. Heizer (1965), *An Introduction to Prehistoric Archaeology*, New York: Holt, Rinehart and Winston.
- Mazzola, B. (2015), *Archaeological Tourism Opportunity Spectrum: Experience Based Management and Design as*, A Project Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of MASTER OF LANDSCAPE ARCHITECTURE, Logan, Utah State: Utah State University.
- McPherron, S. P. et al. (2010), "Evidence for stone-tool-assisted Consumption of Animal Tissues before 3.39 Million Years Ago at Dikika, Ethiopia", *Nature*, vol. 466.
- Repiso, L. I. (2004), "Heritage, Tourism and Sustainability: An Archaeological Park as a Tool for Local Sustainable Development", National University of Córdoba.
- Trigger, B. (1989), *A History of Archaeological Thought*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Tylor, W. (1971), *A Study of Archaeology*, Southern Illinois: Archaeologie.